فهرست

[مقدمه 2](#_Toc116454371)

[تقریر چهارم 4](#_Toc116454372)

[جمع‌بندی 5](#_Toc116454373)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / ایذاء

# مقدمه

در تقابل ارتکاز با مطلقات حرمت ایذاء ما سه راه از یک منظر کلی می‌توانیم طی کنیم:

1. ارتکاز بنیان اطلاق را فرومی‌ریزد و اطلاقی نداریم و قدر متیقن را می‌گیریم
2. ارتکاز مقید لبی است در هرجایی که تمام شد آن را می‌گیریم و در ماوراء آن به اطلاق تمسک می‌کنیم
3. باید در اصل این مطلقات دقت کرد در مفهوم شناسی و آن مداقه ما را از تقابل آزاد می‌کند

چند تقریر در مسلک سوم اقامه شد

1. اذاء و ایذاء دو معنای مطلق تکره و مطلق ناخوشنودی است و یک معنا هم ایجاد ناخوشنودی شدید و همراه با مشقت بود و این دو معنا عام و خاص که می‌شود باید قدر متیقن را بگیریم که همان معنای خاص است یا اینکه بگوییم انصراف دارد از ناراحتی شدید
2. اذاء شامل مفهوم ضرر هست و حداقل دو معنا دارد و حرمت ایذاء یعنی ناراحتی که تولید ضرر کند و آسیب برساند نه صرف ناخوشنودی که آسیب روحی است و ارتکازات درجایی است که ضرری نیست. این تقریر مقداری مبعد دارد از مواردی که ضرر نیست و شاقه است بعید است که از این اطلاقات بیرون باشد و از طرف دیگر برخلاف معنای اول که در لغت‌های اصیل واردشده بود بحث ضرر در لغت‌های متقدم اصیل نیست یعنی در مصباح و مقائیس نبود و در مفردات آمده بود از لغت متأخر حالت اجتهادی دارد و نمی‌شود به آن تکیه کرد ازاین‌جهت این دومی هم با اشکالی مواجه است چون ریشه لغت‌شناسی خیلی قوی نیست.

سؤال: ...

جواب: هم تقدم مسئله است هم اینکه مفردات بنایش بر نوعی اجتهاد است و در عین هم این ضرر نبود تا جایی که من یادم می‌آید. در آنجا بحث ضرر چیزی نیست و در مفردات است و این وجه دوم ضعیف‌تر از وجه اول است

1. ما در مفهوم نه به لحاظ لغت‌شناسی بلکه به خاطر انصراف بگوییم ایذاء در این ادله منصرف به اقدامی است که به‌قصد آزار دیگری انجام می‌شود البته این قصد در مفهوم نیست و بدون قصد هم ایذاء صدق می‌کند لااقل ممکن است در آن قصدی نیست و انصراف دارد این ادله‌ای که می‌گوید مَن آذی شخصاً ولیاً و مومناً انصراف به اذیتی دارد که در مقام اذیت است و آذاه من اتلف مال الغیر است در این هم انصرافش ادعا شده که «مَنْ آذَى مُؤْمِناً فَقَدْ آذَانِي‏ وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»[[1]](#footnote-1) ایذائی دارد که طرف آگاهانه کار می‌کند که او را اذیت کند ولو ناراحتی کوچک ازنظر خطاب حرمت دارد ولی اگر قصد نداشته باشد منصرف است.

سؤال: شاهد انصراف چیست؟

جواب: به‌طورکلی دو سه شاهد می‌توان آورد به‌طورکلی بعضی ادعا دارند جایی که توبیخ و عذاب دارد این‌ها مناسب با قصدی بودن عنوان است و همین‌طور اگر نهی بیاورد میگوییم قصد ندارد ولی وقتی عذاب را می‌آورد می‌شود ظهور را بر عمل قصدی منصرف می‌کند و خود ارتکازات به شکل قرینه لبیه به این‌ها رنگ می‌دهد و آن‌هایی را که نمی‌توان به‌راحتی گفت حرام است این حافه به کلام می‌شود و نمی‌گذارد کلام ظهور در اطلاق به آن معنا پیدا کند و انصرافی در آن ایجاد می‌کند.

سؤال: ...

جواب: یعنی مواخذه را بیان می‌کند و عرف می‌گوید مواخذه درجایی است که مواخذه تناسبش با جایی که بخواهد و با قصد انجام دهد قرینه‌ای است و تناسب حکم و موضوع است و تناسب بیان عقاب موضوعی است که اِن قَصدٍ ایجاد می‌شود

سؤال: ...

جواب: خطابی که در آ ن عذاب است، آنچه شما میگویید ممکن است در خطاب هم عذاب نباشد اما نهی است و آن‌هم ممکن است انصراف به‌قصد داشته باشد اما جایی که به‌خصوص دارد عذاب‌ها را ردیف می‌کند که غالب ادله ایذاء هم همین‌طور بود جایی که دارد تبعات دنیوی و اخروی کاری را بیان می‌کند ظهور پیدا می‌کند در عنوان قصدی و عنصر قصدی را هم دخالت می‌دهد به‌اصطلاح حقوقی امروز یک عنصر معنوی است این بیان عقاب و وجود ارتکاز قرینه‌ای بر این است که آذاء و ایذاء را حمل بر قصدی کنیم ممکن است کسی از اول بگوید ایذاء عنوان قصدی است اصلاً تأذی بر التفات و قصدی است و اذیت شدن برای این است که کسی بفهمد وگرنه معنا ندارد اما ایذاء قبلاً می‌گفتیم التفاتی نیست ممکن کسی آن را هم التفاتی بداند و لااقل قصد بالعرض داشته باشد وگرنه صدق نمی‌گوید بنابراین تقریر سوم برای مسلک سوم این است که ادله ایذاء منصرف بر قصد است با این دو بیان که یا ایذاء عنوان قصدی است مثل تأذی یا این‌که قرائنی وجود دارد که در اینجا منصرف می‌شود به قصدی پس آذیته یعنی قصدی یا لغویاً یا با قرائن در این خطابات میگوییم ایذاء یعنی قصدی.

این وجه هم می‌تواند اشکالاتی داشته باشد و آن این است باید تعیین شود قصد بالذات است یا بالعرض قصد مستقل است یا ترکیبی اگر کسی بگوید مقصود قصد بالذات و مستقل است و درجایی که قصد مستقل ایذاء ندارد ولی التفات و علم به اذیت طرف دارد با اینکه اصلاً قصد ایذاء ندارد و اذیت هم شدیده باشد این را هم بگوییم حرام نیست بعید است وقتی قصد را می‌گیریم باید دایره را وسیع‌تر کنیم که و مستقل و مرکب و بالذات و بالعرض را می‌گیرد اگر دایره را وسیع نکنیم موارد نقض دارد اگر محدود نکنیم شاید بتوان به آن متلتزم شد.

سؤال: قصد و علم متعارف این است که از هم جدا نیستند

جواب: قصد بالذات داریم و قصد بالعرض باشد قصد بالذات افزون بر آگاهی نتیجه بر فعل واقعاً می‌خواهد آن انجام شود و قصد بالعرض این است که تمایلاتش همراه آن نیست ولی همین‌که می‌داند این نتیجه را دارد می‌شود قصد مجرد علم به ترتب نتیجه بر این فعل موجب می‌شود که نتیجه مقصود شود ولو این‌که میل به آن ندارد ولی همین‌که انجام می‌دهد یعنی آن را قصد کرده قصد به افعال علی فسمین است یا بالذات است یا بالعرض و قصد بالذات یا مستقل است یا ترکیبی قصد کرده عمل را برای خدا انجام دهد یا هم برای خدا و هم برای دیگری و قصد ترکیبی هم خودش اقسامی دارد بنابراین قصد بالذات مستقل و بالذات ترکیبی و قصد بالعرض.

سؤال: اینجا می‌گوید من آذاها فقد آذانی اینجا اگر کسی کاری انجام دهد که حضرت اذیت شوند قصد بالعرض هم نداشته آیا این حرام نیست چون کاری کرده که حضرت اذیت شده؟

جواب: اگر بگوییم خطاب اطلاق دارد ادله‌ای که برای ترتب عقاب علم را شرط دانسته شرط را برداشته رفع عن امتی ما لایعلمون اگر مقصر باشد خطاب را نمی‌گیرد ولی ثمره این‌که بگوییم خطاب انصراف دارد یا حدیث رفع عقاب را برمی‌دارد همین‌جاست اگر بگوییم خطاب اطلاق دارد ممکن است بگوییم قصد ندارد یعنی خطاب ندارد ولی اگر خطاب انصراف به‌قصد نداشته باشد در مقصر حدیث رفع آن را نمی‌گیرد.

سؤال: در بیان سوم موردی که می‌گوید قصد یعنی قصد بالذات و آنجایی که اعم از بالذات باشد که شامل بالعرض هم می‌شود و این تقسیم دیگر درست نیست چون در همه محرمات منوط به این است که ارتکاب از روی قصد باشد.

جواب: منوط بودن وقتی در خطاب اطلاق است ولی حدیث رفع برمی‌دارد ولی در اینجا از ابتدا خطاب محدود است به‌قصد اگر قصد بالذات را فقط بگیریم نمی‌شود ملتزم شد ولی اعم از بالذات و بالعرض ترکیبی و استقلالی بگوییم تا حدی قابل‌قبول است ولی اگر قصد را مطلق بگیریم آن‌وقت در قصدهای بالعرض خفیف ممکن است بگوییم ارتکاز مانع حرمت می‌شود چون جایی که سیگار می‌کشد و می‌داند طرف ناراحت می‌شود قصد اذیت ندارد ولی می‌خواهد کار خودش را بکند فرض اضرار هم منتفی است این هم حرام نیست پس اشکال تقریر سوم این است که قصد را در ایذاء شرط بدانیم یا بگوییم عنوان قصدی است یا انصراف دارد بعد سؤال می‌شود که آیا مطلق قصد شرط است یا محدود است اگر محدود به‌قصد بالذات باشد درجایی که قصد بالعرض است و ایذاء جدی دارد نمی‌شود بگوییم حرام نیست اگر بگوییم در مطلق قصد حتی بالعرض شامل می‌شود به‌عکس اشکال وارد می‌شود یکجایی قصد بالعرض وجود دارد در ایذاء خفیف که نمی‌شود به حرمت آن ملتزم شد.

سؤال: بعضی چیزها ایذاء نیست اما نفس عمل ایذائی دارد مثلاً وقتی ماشین را در پیاده‌رو پارک می‌کند اینجا بالعرض است ؟

جواب: بله نمی‌خواهد آزار دهد اما الآن مجبور است یعنی طبعش این نیست.

سؤال: اگر ارتکاز را تحدید کنیم و بگوییم کانه ایذائی که می‌فهمیم که باید باشد جایی که فراتر از قصد حالتی از ظلم در آن است.

جواب: من تقریر چهارم را میگویم شما ببینید چه ربطی به سؤال شما دارد.

# تقریر چهارم

چهارمین تقریر این است که اقدامی که موجب آزار دیگری می‌شود علی قسمین است:

1. جایی که استیفای حق خود را می‌کند و تصرف در مال خودش است پوشاک و خوراک و مسکن و ساخت‌وساز اما این تصرفات او موجب اذیت دیگری شده
2. جایی است که در آن تصرف نفعی برای آن نیست بلکه فقط برای آزار دیگری انجام می‌دهد و اقدام موذیانه اقدامی است که برای انتفاع خود انجام نمی‌دهد و برای آزار دیگری است این مورد با قصد خیلی نزدیک می‌شود و ممکن است کسی بگوید ادله ایذاء منصرف به این قسم دوم است این هم وجهی است که ممکن است بیان شود فی‌الجمله چیزی در آن هست ولی به‌صورت مطلق نمی‌توان موردقبول قرار بگیرد چون در قسم اول مراتبی از اعمال است که علی‌رغم این‌که خودش انتفاع می‌برد و سنجیده و عقلایی است ولی آزار جدی به دیگری می‌رساند بگوییم این حرام نیست و درجایی اقدامی می‌کند برای آزار دیگری و انتفاع عقلایی برای او ندارد اینجا هم نمی‌توان گفت حرام است چون در مراتبی است که حرام نیست.

سؤال: مثلاً کسی از رنگی بدش می‌آید و کسی قصد می‌کند آن را می‌پوشد اگر بگوییم ملاک صرفاً این است که در دامنه باشد یعنی شاید تلفیقی باشد از موارد قبلی یا علی‌البدلی باشد

جواب: حالا اجازه دهید.

اگر ما این تقریرها را جداجدا ببینیم هرکدام ماده نقضی دارد که با ارتکاز سازگار نیست ممکن است کسی جمع کند بین این‌ها مخصوصاً در اولی و دومی یعنی بگوید دلیل منصرف است به‌جایی که قصد داشته باشد و آزار معتنابه باشد بین اول و سوم جمع کند یا حتی با چهارم ولی با دومی خیلی محکم نبود.

# جمع‌بندی

یا این‌که بین چند تا از این‌ها به نحو أو بگوید این دو راهی است که در تجمیع این‌ها ممکن است مطرح شود یعنی بگوییم ادله منصرف است و با توجه به ارتکازاتی که وجود دارد و سایر قرائن حرمت و ادله تحریم منصرف است به‌جایی که ایذاء قصدی باشد به دایره عام آن قصد بالذات یا بالعرض و به دنبال آن ایذاء شدید باشد و احیاناً اولی و سومی را کسی جمع کند یا اینکه أو بیاورد و بگوید منصرف به‌قصد بالذات یا آزار معتنابه است این‌ها دوراهی است که می‌شود طی کرد بنابراین راه اول و دوم و سوم و چهارم چهار تقریر در مسلک سوم بود که ممکن است یکی از این‌ها را بپذیریم ممکن است کسی راه پنجم و ششم را برود و بگوید اول و دوم را جمع می‌کنیم و بگوییم حرمت برای جایی است که قصد باشد و معتنابه و یا اینکه به نحو أو یعنی یا قصد باشد یا معتنابه با ارتکازات ما این مورد آخر خیلی جور است که بگوییم یا قصد بالذات حرام است و کوچک و بزرگ هم ندارد مخصوصاً اگر قصد بالذات مستقل بگیریم یا این‌که معتنابه باشد ولو قصد بالعرض در آن باشد این ششمی چیزی است که اعتبار با آن مساعد است.

1. [بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج64، ص72.](http://lib.eshia.ir/71860/64/72/آذاني) [↑](#footnote-ref-1)